

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۹۷

جمعه ۸ اسفند ۱۳۹۳، ۲۷ فوریه ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

یونان: تغییر ریل یا مانور ناگزیر؟

زنده باد همبستگی تشکلهای مستقل کارگری!

صفحه ۶

نه "به سیاست ریاضت کشی
اقتصادی در یونان و ایران!

علی جوادی

صفحه ۹

جنبش آزادی زن

علیه توحش ضد زن

کیفرخواستی به مناسبت هشت مارس

صفحه ۱۱

پرستاران همدان مراسم دولتی را
به صحنه اعتراض خود
تبدیل کردند

صفحه ۷

هزاران معلم در سطح کشور دست به اعتصاب
و تحصن زدند

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۲

زنان در صف اول اعتراض جهان به
ارتجاع و نابرابری!

بیانیه به مناسبت روز جهانی زن

صفحه ۲

ایران آبستن تحولات زیر و رو کننده ای است

مصاحبه با حمید تقوایی در مورد مذاکرات هسته ای و پیامدهای آن

مردم با کل حکومت تشدید خواهد شد.

شکست مذاکرات بمنزله شلیک تیر خلاص بر اقتصاد فروپاشیده جمهوری اسلامی خواهد بود، از لحاظ سیاسی دولت روحانی را در آستانه سقوط قرار خواهد داد و رژیم را با نوعی بحران هیات حاکمه - بحرانی بمراتب شدیدتر از سالهای آخر کابینه احمدی نژاد- مواجه

صفحه ۳

و تماس ها در سطوح مختلف ادامه دارد. سرنوشت این مذاکرات - توافق یا عدم توافق با غرب - چه نتایجی می تواند در ایران داشته باشد؟

حمید تقوایی: سرنوشت مذاکرات بسته به اینکه به چه نتیجه ای منجر شود در مناسبات داخلی و رابطه میان جناحهای حکومتی تاثیرات متفاوتی خواهد داشت ولی نتیجه هر چه باشد تقابل میان

انترناسیونال: بنظر میرسد که ایران در آینده نزدیک شاهد رویدادهای سیاسی تازه ای خواهد بود. افق مذاکرات هسته ای که موضوع اصلی اختلافات دو جناح اصلی رژیم است، هنوز ناروشن است. اعضای گروه ۱+۵ آخر ماه مارس را آخرین مهلت برای رسیدن به یک توافق و ۳۰ ژوئن را برای روشن شدن جزئیات فنی، اعلام کرده اند. چهارمین دور مذاکرات روز دوشنبه گذشته در ژنو به پایان رسید. و مذاکرات

جنگ روانی کثیف حکومت اسلامی
علیه خانواده های نگران!

مینا احدی

صفحه ۷

پر جنب و جوش ترین هفته سال

شهلا دانشفر

صفحه ۴

کوتاه آمدن سیریزا یا اتحادیه اروپا؟

محمد آسنگران

صفحه ۸

زنان در صف اول اعتراض جهان به نابرابری!

بیانیه به مناسبت روز جهانی زن

حزب کمونیست کارگری
ضمن شادباش روز جهانی زن
دست تک تک فعالین جنبش
رهایی زن را در برپایی هرچه با
شکوهرت این روز میفشارد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ اسفند ۱۳۹۳
۲۶ فوریه ۲۰۱۵

حجاب و آپارتاید جنسی و
جداسازی هایی نظیر جلوگیری از
حضور زنان در ورزشگاه ها را
فعالتر از قبل در دستور گذاشت.
حمایت از اعتصابات کارگران،
معلمان، پرستاران و همینطور
مطالبات دانشجویان علیه
تبعیض جنسیتی از دیگر
موضوعات مهم دیگری است که
باید در مرکز توجه اجتماعات و
حرکات هشت مارس قرار گیرد.

ستیزی و وحشیگری جریان‌ات
اسلامی از داعش عراق و سوریه
گرفته تا جمهوری اسلامی ایران
تا بوکوحرام در آفریقا یکی از
موضوعات اصلی هشت مارس
امسال است. مکمل این طبعاً
اعتراض به مداخلات دول سرمایه
داری غرب با مذهب و ارتجاع
مذهبی بطور کلی و اسلام
سیاسی بطور اخص است.
در ایران باید لغو عملی

در اوضاع ایران مشاهده کرد.
جایی که زنان از همان روز اول با
تظاهرات علیه حجاب در سال
۵۷ در برابر ارتجاع اسلامی
ایستادند، رکن اصلی تظاهرات
خیابانی سال ۸۸ بودند که رژیم
را تا لبه پرتگاه برد و اکنون
مقاومت و اعتراض توقف ناپذیر
آنان به کابوس شبانه روز رژیم
اسلامی تبدیل شده است. در
سالی که گذشت رژیم اسلامی با
عملیات مسخره علنی-مخفی
مجلس از یکسو و اوباش بسیجی
اش از سوی دیگر کوشید تا "امر
به معروف" را از طریق اسیدپاشی
به صورت زنان به اجرا درآورد.
اما این جنایت با جوابی چنان
محکم از سوی زنان و جنبش
آزادی زن در ایران روبرو شد که نه
فقط کل جناح ها بساط امر به
معروفشان را برچیدند بلکه حتی
اصلاح طلبان سابق روسری از سر
برگرفتند و به فعالین مبارزه
علیه حجاب تبدیل شدند. بعلاوه
تردیدی نباید کرد که در دیگر
عرصه های اعتراض برای تغییر
اوضاع در ایران از جمله در
اعتصابات و اعتراضات معلمان
و پرستاران و همچنین جنب و
جوش هایی که در دانشگاه ها
دید می شود زنان و جنبش آزادی
زن نقش فعالی دارند. نقش مهم
همسران کارگران اعتصابی در
بافق نمونه درخشانی از حضور
فعال زنان در این اعتراضات
است.

در چنین موقعیت سیاسی
بین المللی و داخلی است که
هشت مارس روز جهانی زن فرا
میرسد. این روز و اجتماعات و
تظاهرات های آن فرصتی است
برای تاکید بر این موقعیت موثر
و پیشتاز جنبش رهایی زن و
همچنین فرصتی است برای
انسجام بخشیدن به صفوف این
جنبش و به پیش راندن آن. بی
تردید مبارزه و اعتراض علیه زن

این اتفاقی نبود که زنان کوبانی
بعنوان قهرمانان مقابله با
وحشیگری اسلامی داعش از
سوی مردم آزادیخواه جهان ستایش
شدند. اتفاقی نبود که زنان کارگر
نظافتچی در یونان سمبل مبارزه
پرشور و جانانه مردم این کشور در
برابر ریاضت کشی اقتصادی شدند؛
مبارزه ای که منجر به قدرت گیری
چپ در آن کشور شد و فی الحال
اروپا را تکان داده است. این نمونه
ها تنها تازه ترین مصادیق یک
واقعیت عمومی ترند. این واقعیت
که زنان و جنبش رهایی زن در صف
اول تلاش بشریت امروز برای رهایی
قرار دارند. از ایران تحت حاکمیت
اسلام گرفته تا ترکیه و هند و
فرانسه و اسپانیا و غیره، هرجا
اعتراض و مبارزه علیه استثمار و
ارتجاع سرمایه داری هست، هرجا
امید به تغییر و دفاع از مدنیت و
انسانیت هست زنان بخش پیشتاز،
مصمم و رادیکال حرکت را تشکیل
میدهند.

اگر وقایع شورانگیز و امید
بخش یکساله اخیر نظیر
مقاومت مردم کوبانی در برابر
داعش، تظاهرات میلیونها مردم
پاریس در دفاع از آزادی نقد
مذهب و مقدسات مذهبی و
محکوم کردن حمله خونبار
اسلامیون به یک نشریه چپ و
رادیکال، قدرت گیری احزاب ضد
ریاضت کشی در یونان و چشم
انداز قدرت گیری شان در اسپانیا
را نشانه هایی از موج جدیدی از
قد علم کردن آزادیخواهی و
مدنیت و چپگرایی در برابر دنیای
وحشی بدانیسم که راست و
بورژوازی اعم از تروریسم
اسلامی و تروریسم دول غربی و
نئوکنسرواتیسزم ورشکسته ایجاد
کرده است، آنگاه باید این واقعیت
را برجسته کرد که زنان و جنبش
رهایی زن وجه تعیین کننده این
تحول و تعرضند.
این حقیقت را میتوان بخوبی



ایران آبستن تحولات زیر و رو کننده ای است

آماده میکنند.

عدم توافق با غرب نیز معنایی بجز فلج کامل اقتصادی و گسترش و اوجگیری هر چه بیشتر اعتراضات توده ای علیه شرایط غیر قابل تحمل معیشتی نخواهد داشت. در هر حال مهمترین فاکتور در "حوزه هایی غیر از سیاست خارجی" فاکتور اعتراضات توده ای است. میتوان گفت در مقطع حاضر جمهوری اسلامی در آستانه یک زمین لرزه سیاسی قرار گرفته است و مذاکرات به هر نتیجه ای برسد کل حکومت با تکانهای شدید سیاسی - هم در مقابله با جامعه و هم در درون صفوف خود - روبرو خواهد شد.

انترناسیونال: جناح اصولگرا علنا مخالفت خود را با ادامه مذاکرات و ادامه توافقات اعلام کرده است، بعضی از فرماندهان سپاه به دولت روحانی حمله کرده و حسین همدانی یکی از این فرماندهان صحبت از محاکمه محمد جواد ظریف بخاطر کوتاه آمدن در مذاکرات هسته ای کرده است. رفسنجانی هفته گذشته از "اختلاف سلیقه" خود با رهبری صحبت کرد. موضعگیری های خامنه ای در مورد رابطه با غرب نیز مثل همیشه ناروشن و قابل تفسیر است، یک سال پیش از نرمش قهرمانانه در برابر غرب صحبت کرد و هفته گذشته غرب را به تحریم صدور گاز و نفت تهدید کرد. آیا با وجود این کشمکش های حاد درون حکومتی اصولا رسیدن به هر نوع توافقی با غرب ممکن و عملی است؟

حمید تقوایی: به نظر من خامنه ای و همه جناحها بر سر رسیدن به نوعی توافق با غرب اختلافی ندارند. در واقع وضعیت وخیم و غیر قابل ادامه اقتصادی راه دیگری برای آنها باقی نگذاشته است. اختلاف بر سر

خواهد ساخت. از سوی دیگر موفقیت مذاکرات یعنی رسیدن به نوعی سازش دراز مدت با غرب، حکومت را در سرازیری سازشهای سیاسی و استراتژیک تری با غرب و مشخصا دولت آمریکا قرار میدهد. این به معنی نفی هویت "ضدآمریکائی" حکومت است که بنوبه خود به موقعیت ضعیف تر و کاملاً شکننده جمهوری اسلامی در جامعه ایران، در منطقه و کلاً در جنبش اسلام سیاسی منجر خواهد شد. این دو سوی پارادوکسی است که دو جناح حکومتی را در مقابل هم قرار داده است. یکی بر ضرورت سازش با آمریکا بمنظور براه افتادن چرخ اقتصاد تاکید میکند و دیگری بر نتایج "هویت بر باد ده" سازش با آمریکا، اما در واقع مبنای نگرانی هر دو جناح و کل حکومت تضعیف کل نظام و گسترش اعتراضات توده ای است. "خطری" که بارها از آن بنام "فتنه بزرگ" یاد کرده و بیکدیگر هشدار داده اند، اخیراً صادق زیبا کلام از جناح حامی دولت روحانی گفته است "بعد از دستیابی به توافق هسته ای با غرب، موج دیگری از مخالفتها علیه دولت به راه می افتد که حوزه هایی غیر از سیاست خارجی را مد نظر قرار میدهد. ... مخالفان دولت برای اینکه نشان دهند توافق با غرب در حوزه سیاست خارجی به معنای کوتاه آمدن در عرصه های دیگر، در برابر غربی ها، نیست، حتماً سختگیری های بیشتری در عرصه آزادیهای مدنی و مطبوعاتی را در دستور کار قرار میدهند."

ایشان در واقع میگوید توافق با غرب از جانب مردم به گسترش آزادیهای مدنی و باز شدن فضای اعتراضی تعبیر خواهد شد، مردم یورش خواهند آورد و جناح مقابل دارد خودش را برای کنترل اعتراضات توده ای

وزیر خارجه دولت احمدی نژاد بود، او به عنوان مهمترین کارشناس اتمی رژیم در حلقه معتمدین خامنه ای قرار دارد. اعلام شده است که در این دور مذاکرات توافقاتی نیز بدست آمده است. معاون وزیر امور خارجه روسیه نیز در مورد رسیدن به یک توافق اظهار اطمینان کرده است. آیا میتوان این تحولات را به معنای این دانست که سیاست روحانی در این زمینه دست بالا را پیدا کرده است؟

حمید تقوایی: دوره های قبلی مذاکرات نیز اظهار نظرهای مشابهی را بدنبال داشت اما نتیجه تا کنون صرفاً توافق بر سر ادامه مذاکره بوده است. به این معنی، یعنی به معنی صرف عدم شکست و عدم توقف کامل مذاکرات، میتوان گفت خط روحانی موفق بوده است اما حتی همین سطح محدود هم به معنی برتری خط جناح روحانی در حکومت نیست. خامنه ای مستقل از به نعل و به میخ زدنهایش موافق ادامه مذاکرات است و از همین رو جناح اصولگرا هم اگر توافقی صورت بگیرد جای زیادی برای مانور ندارد. میتوان گفت شکست مذاکرات مسلمان دولت روحانی را شدیداً متزلزل خواهد کرد ولی عکس قضیه صادق نیست. به نتیجه رسیدن مذاکرات لزوماً به معنی تضعیف جناح اصولگرا و یا خط خامنه ای در مقابل اصلاح طلبان نخواهد بود. روشن است که هر توافقی نهایتاً با تأیید خامنه ای صورت خواهد گرفت و خامنه ای و کل حکومت آنرا پیروزی جمهوری اسلامی قلمداد خواهند کرد. به نتیجه رسیدن مذاکرات اختلافات جناحی را به عرصه ها و موضوعات دیگری منتقل خواهد کرد که شیوه کنترل جامعه یک محور مهم آن خواهد بود.

انترناسیونال: در ایران هر روز به تعداد بیکاران افزوده میشود، اجناس بطور روزانه گرانتر میشوند، اکثریت مردم زیر خط فقر بسر می برند. بیشتر شهرهای بزرگ در خطر فجایع محیط زیستی هستند،

اعتراضات کارگران و گروههای مردم رو به گسترش است. آیا به نظر شما در صورت رسیدن به توافق و تخفیف و رفع تحریمها فلج و بن بست اقتصادی حکومت شکسته خواهد شد و بهبودی در وضعیت معیشتی و کلاً زندگی مردم بوجود خواهد آمد؟

حمید تقوایی: نه بحران اقتصادی حکومت و نه بیکاری و گرانی و فقر و بی تأمینگی اقتصادی توده مردم ناشی از تحریمها نیست که با رفع تحریمها حل بشود.

تا آنجا که به حکومت مربوط میشود جمهوری اسلامی از بلو بقدرت رسیدنش با یک بحران مزمن و ساختاری و بی افقی و بی برنامهگی و سردرگمی اقتصادی روبرو بوده است. نتیجه این وضعیت شکل گیری یک نوع اقتصاد مافیائی است که بر اختلاس و دزدی و چپاول ثروتهای جامعه بوسیله باندهای مختلف حکومتی استوار است. مانند کرمی که در گنداب زندگی و رشد میکند اقتصاد جمهوری اسلامی نیز از رانتخواری و بازار قاچاق و ارز دودرخی و تحریم ارتزاق میکند، زاده این شرایط است و بی افقی و بی خطی و بحران اقتصادی یک جزء ساختاری آنست. برقراری رابطه متعارف با غرب پاسخ این وضعیت نیست، تشدید کننده آنست. هر نوع گشایش اقتصادی خوان یغمای تازه ای در برابر باندهای مافیائی حکومتی پهن خواهد کرد و موجب تشدید اختلاسها و دزدیها و بالا گرفتن رقابت بر سر چپاول اموال جامعه بین دارو دسته های حکومتی خواهد شد.

تا آنجا که به وضعیت معیشتی مردم مربوط میشود نیز رفع تحریمها جواب نیست. حتی اگر فرض کنیم نزدیکی با غرب و رفع تحریمها، اقتصاد مافیائی جمهوری اسلامی را به سمت متعارف شدن سوق بدهد - که خود از محالات است - گردش چرخ سرمایه ها مستلزم فداکاری بیشتر کارگران و توده مردم کارکن و زحمتکش است. از دید



پر جنب و جوش ترین هفته سال

شهلا دانشفر

هفته ای که گذشت پرجنب و جوش ترین روزها را از زاویه اعتراضات کارگری شاهد بودیم. اعتراضاتی که پایان نگرفته است و سرآغازی است بر تحولاتی بسیار امیدبخش تر و مهم تر. این هفته کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، هر کدام با بیانیه ها و تجمعات اعتراضی خود با خواست افزایش دستمزدها جلو آمده و میگویند که دیگر تحمیل این حقوقهای خفت بار را نمی پذیرند. میگویند اگر خط فقر سه میلیون و پانصد هزار تومان است، دستمزدها و حقوقها نیز باید فاصله اش تا این رقم پر شود. و این اتفاقات در فضای انفجاری جامعه اتفاقات سیاسی مهمی است که نشانگر باز شدن فاز جدیدی در مبارزات کل جامعه است. مبارزاتی که اقتصاد و معیشت یک محور اصلی آنست و تصویری از اوضاع امروز جامعه بدست میدهد. مدتهاست که از جلو آمدن جنبش های اجتماعی با خواستها و مطالباتش سخن میگویم. از جمله از اعتراض علیه آلودگی هوا و آب آشامیدنی، جنبش حجاب برگیران، جنبش شادی جوانان با کمپین های موزیکشان در خیابانها علیه قوانین ارتجاعی اسلامی، جنبش علیه اعدام، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، جنبش عظیم سازمانیابی در شبکه اجتماعی وایپر و خطوط تلفن های هوشمند که صدای وحشت رژیم را بلند کرده است، همه گوشه های مهمی از تحول عظیمی است که در جامعه شاهدش هستیم.

این هفته نمایش قدرتی از جنبش اعتراضی کارگری بود.

سر تیترهای مهم ترین اعتراضات کارگران در هفته ای که گذشت را اینجا یادآوری میکنم:

روز ۵ اسفند با ابتکار هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا بر سر خواست افزایش دستمزدها، تجمعی اعتراضی از سوی تعدادی از فعالین اتحادیه آزاد کارگران ایران از شرکت ایران خودرو، لاستیک البرز، کارگران ساختمانی، بازنشستگان زن و مرد، شرکت واحد تهران، نورد لوله صفا و... برگزار شد. محور خواستهای این کارگران یکی پر شدن فاصله سطح دستمزدها با خط فقر سه میلیون و پانصد هزار تومانی اعلام شده از سوی خود مراجع دولت و افزایش فوری سطح مزد کارگران بود و دیگری رفع تعقیب قضایی از دو تن از رهبران طومار اعتراضی کارگران بر سر خواست افزایش دستمزدها. حرف کارگران این بود که دیگر ادامه این وضعیت را تحمل نخواهند کرد. در پایان نیز کارگران طی بیانیه ای خواستهایشان را نوشته و آنرا به مجلس اسلامی تحویل دادند و اعلام داشتند که پیگیر آن خواهند بود.

همچنین در ۲ اسفند ۶ تشکل کارگری یعنی اتحادیه آزاد کارگران ایران، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و سندیکای کارگران نقاش استان البرز طی بیانیه ای مشترک، ضمن اعتراض به خیمه شب بازی هر ساله تشکلهای دست ساز دولتی و

شورایعالی کار و تحمیل دستمزدهای چند بار زیر خط فقره کارگران، خواستار افزایش فوری حداقل دستمزد کارگران شدند.

در ادامه همین مبارزات روز ۳ اسفند بیش از ۴ هزار پرستار که جمعیت هزاران نفره پرستاران را نمایندگی میکردند، از تهران و شهرهای دیگر چون شیراز، گلستان، اصفهان، خوزستان، یزد به مقابل مجلس رفتند و برای پیگیری خواستهایشان در مقابل مجلس اسلامی دست به تجمعی اعتراضی زدند. پرستاران با خواستهای افزایش حقوقها و قانون تعرفه پزشکی و اجرای کامل قانون ارتقای بهره وری که مبلغی بر حقوقهایشان اضافه میکند و نیز پیگیری دیگر خواستهایشان دست به تجمع اعتراضی زده بودند و این اعتراضات در ادامه تجمعات قبلی آنان در آذر ماه بود. در برابر خواست پرستاران وعده داده شد که ده روز دیگر به آنان پاسخ داده خواهد شد و آنان خود را برای ۱۳ اسفند ماه آماده میکنند.

همچنین در همین روز هزاران معلم در دو منطقه تهران و شهرهای خرم آباد، کرج، شهریار، اسلامشهر، رباط کریم، زرین شهر اصفهان، شهرضا، برخی از شهرهای خراسان رضوی، دیواندره کردستان و نیز بعضی از نقاط دیگر کشور در اعتراض به سطح نازل حقوقهایشان و با خواست افزایش سطح آن دست به اعتصاب زدند. در ادامه این حرکت معلمان برای پیگیری خواستهایشان فراخوان داده اند که ده اسفند مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع خواهند کرد. و اعلام کرده اند که منتظر

اجازه برپایی این تجمع نخواهند شد و اعتصاب و تجمع را حق مسلم خود میدانند. خبرها حاکی از اینست که دولت در نظر دارد فقط ۱۴ درصد به حقوق سال آینده معلمان اضافه کند. و معلمان میگویند خط فقر بالای سه میلیون تومان است و با ۱۴ درصد افزایش آنها همچنان زیر خط فقر خواهند بود و این را نمی پذیرند. میانگین حقوق معلمان در حال حاضر رقمی بین ۹۰۰ تا یک میلیون و دویست هزار تومان است و معلمان حاضر به زندگی در زیر خط فقر نیستند.

بعلاوه در همین هفته کارگران صنایع فولاد مقابل مجلس تجمع داشتند و ضمن مطالبه طلبهای معوقه خود بر افزایش سطح مستمری خود تاکید داشتند و طوماری نیز از سوی هزار بازنشسته به امضا گذاشته شده است. اعتراض این کارگران به فاصله عظیم میان مستمری خود با خط فقر است و خواستار افزایش مستمری ماهانه خود برای سال ۹۴ شده اند. این کارگران خواستار افزایش حقوق بازنشستگان و کارگران از کار افتاده بر اساس سبد واقعی هزینه های زندگی شده اند.

ضمن اینکه سوت شروع اعتراض برای خواست افزایش دستمزدها را امسال هزاران کارگر ایران خودرو به صدا در آوردند، نگاهی به همین چند حرکت مهم اعتراضی نشاندهنده ابعاد اجتماعی مبارزه بر سر خواست افزایش حقوقها و بیخاستن بخش عظیمی از مردم علیه فقر و فلاکت حاکم بر جامعه است. یک نکته قابل توجه در این مبارزات، سازمانیافتگی آنها، جلو آمدن کارگران، معلمان و پرستاران با تجمعاتشان، با

اعتصاباتشان، با فراخوان ها و اولتیماتوم دادنهایشان است و با اتحاد مبارزاتی و همبستگی شان است. این اتفاقات به روشنی نشانگر وزن سیاسی مهم جنبش کارگری در اوضاع امروز جامعه است. این اتفاقات نشانگر اینست که کارگران با بدست گرفتن خواست سراسری افزایش دستمزدها، کل جامعه را دارند به حرکت در می آورند.

روشن است که این اتفاقات شروع حرکتی بزرگتر است. کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان با اولتیماتوم هایشان دارند خود را برای حرکت های بعدی آماده میکنند. و در کنار چنین جنب و جوش اعتراضی وسیع، اعتراضات در مقابل تهاجمات دولت و کارفرمایان در کارخانجات مختلف داغ است. بطور نمونه در این هفته ۳۵۰ کارگر معدن کوشک بافق یزد، کارگران کشتی های یدک کش در خرمشهر، کارگران شرکت "استیم" در پتروشیمی ایلام کارفرما، صدها کارگر شرکت های پیمانکاری فازهای ۱۵ و ۱۶ عسلویه، کارگران کارخانه تبریز کف، کارگران و رانندگان پلی اکریل اصفهان، کارگران کرمانیت کرمان، کارگران شیشه آبگینه، کارگران پوشش رشت، کارگران آبفای اهواز، کارگران یکی از شرکت های پیمانکاری فاز ۱۳ عسلویه، کارگران معدن «زمستان یورت»، کارگران «سپکو»، کارگران بازنشسته مجتمع کشت و صنعت هفت تپه، علیه تعویق پرداخت دستمزدهایشان و در اعتراض به وضع نابسامان کاری و قراردادهای موقت و غیره در

از صفحه ۳

ایران آبستن تحولات زیر و رو کننده ای است

مردم هستیم. مساله هسته ای تا چه حد به زندگی مردم و اعتراضات و مبارزات آنان مربوط میشود؟ تاثیر نتیجه مذاکرات با غرب بر این/این اعتراضات و مبارزات چه خواهد بود؟ این مبارزات چگونه می تواند به نتیجه مطلوب برسد؟

حمید تقوائی: مردم ایران مدتهاست پاسخ پروژه هسته ای را با شعار "منزلت معیشت حق مسلم ماست" (در برابر شعار حکومتی "انرژی هسته ای حق مسلم ماست") داده اند. مبارزات گسترده جاری نیز بر سر همین منزلت و معیشت است.

در دو سال اخیر بویژه مبارزه و اعتصابات کارگری در دفاع از شرایط معیشتی و رفاهی خود و کل جامعه رشد چشمگیر و بیسابقه ای داشته است. جنبش کارگری حول مسائلی نظیر افزایش دستمزدها، علیه بیکاری، برای حق بازنشستگی و برخورداری از بیمه های اجتماعی و خواستهای رفاهی از این قبیل بسیار فعال و پیگیر بوده است و روشن است که اینها مسائلی

همه کارشناسان اقتصادی حکومت بیصبرانه در انتظار پیاده کردن تمام و کمال آن هستند - جزئی از تعریف اقتصاد "متعارف" و اقتصاد پیوسته و در "تعامل" با سرمایه داری جهانی است.

این نسخه ریاضت کشی را در دزدیها و فساد ساختاری حکومت اسلامی ضرب کنید تا متوجه بشوید که "گرداندن چرخهای اقتصاد" که از اهداف اعلام شده دولت تدبیر و امید است میتواند به چه جهنمی برای کارگران و توده مردم، برای نود و نه در صدهای ایران، منجر بشود. تا این حکومت بر سر کار است چشم اندازی برای خلاصی مردم از این وضعیت فلاکتبار وجود ندارد.

انترناسیونال: در شرایط حاضر ما شاهد گسترش اعتراضات کارگران و گروههای

صاحبان سرمایه و حکومت اسلامیسان حل بحران اقتصادی در گرو تحمیل ریاضت کشی بیشتر و شدید تر به توده مردم کارگر و زحمتکش است و هر قدم در جهت متعارف کردن شرایط اقتصادی در ایران معنایی بجز تحمیل فقر و شرایط معیشتی وخیم تر به جامعه - این بار تحت عنوان جبران صدمات دوره تحریم و سازندگی اقتصادی و غیره - نخواهد داشت. نباید فراموش کرد که در مورد سیاست ریاضت کشی که بوسیله بانک جهانی دیکته میشود همه جناحهای رژیم توافق دارند و تا کنون کل حکومت قدمهایی نظیر قطع سوبسیدها و سپردن قیمتها بدست بازار آزاد در این جهت برداشته است. این نوع اقدامات - که مدتهاست لیست بالا بلندی از آن در نسخه بانک جهانی به جمهوری اسلامی توصیه شده و

از صفحه ۴

پر جنب و جوش ترین هفته سال

وضعیت اقتصادی امروز یعنی تحمیل ریاضت اقتصادی بیشتر بر کرده مردم بود. این وضعیت به هم ریخته اقتصادی و بن بست حکومت اسلامی، چاشنی شدت یافتن جنگ درون حکومت نیز هست و همین امروز صحنه های این جدال را در بحث هایشان و در کشاکش هایشان در درون مجلس به روشنی میبینیم. در چنین شرایطی است که جنبش اعتراضی کارگری با گامهای پر شتاب به جلو می آید. خلاصه کلام اینکه اوضاع بسیار متحول است. سرفصل جدیدی از مبارزات کارگران و کل جامعه گشوده شده است. باید به استقبال چنین شرایطی برویم.*

اعتراض و مبارزه بوده اند. بدین ترتیب هفته گذشته، یکی از هفته های داغ و پر جنب و جوش اعتراضی کارگری در ایران بود. این اعتراضات در شرایطی روی میدهد که اقتصاد جامعه در مرز فروپاشی کامل قرار گرفته است و بن بست و بحران جمهوری اسلامی و بحران و فلج اقتصادی فشار غیر قابل تحمیلی را روی کرده کارگران و مردم محروم گذاشته است. تازه حکومت اسلامی قرار است با طرح هایی چون "اقتصاد مقاومتی" و امثالهم این فشارها و ریاضت ها را افزایش دهد. در کنگره "اقتصاد مقاومتی" محور سخنرانی خامنه ای بر ادامه تحریمها و راه داخلی خلاصی از

سیاسی و بجالش کشیده شدن کل نظام جمهوری اسلامی است. هم اکنون در یونان نقش تعیین کننده نیرو و حزب سیاسی که بتواند خواستهای برحق و رادیکال توده مردم را علیه وضع موجود و در برابر دولت نمایندگی کند مشاهده میکنیم. شرایط ایران با یونان از نقطه نظر آزادیهای سیاسی و امکان مبارزات پارلمانی خیلی متفاوت است اما این تفاوت نافی نقش تعیین کننده احزاب چپ و انقلابی نیست، بلکه برعکس نقش احزاب انقلابی در دیکتاتوریهایی نظیر جمهوری اسلامی را برجسته تر و تعیین کننده تر میکند.

فلسفه وجودی و هدف همه فعالیتهای حزب ما ایفای این نقش است. کلید به پیروزی رسیدن مبارزات کارگران و بخشهای مختلف جامعه روی آوری فعالین این اعتراضات و جنبشها به حزب کمونیست کارگری و متحد و متشکل شدن حول شعارها و سیاستهای حزب است.

شرایط سیاسی ایران آبستن تحولات زیر و رو کننده ای است. ما با فراخواندن همه کارگران و زنان و جوانان و توده مردمی که از وضعیت حاضر به تنگ آمده اند به حزب و سیاستهای حزبی به استقبال این شرایط میرویم.*

است که به کل جامعه و زندگی نود و نه درصد مردم مربوط میشود. از سوی دیگر شاهد شکستگی مبارزات و اعتراضات بخشهای دیگر جامعه علیه بیحقوقی زنان و آپارتاید جنسی و آلودگی محیط زیست و علیه اعدام و غیره هستیم.

مساله انرژی هسته ای و مذاکرات جمهوری اسلامی و غرب مستقیماً موضوع و سوژه این اعتراضات نیست ولی نتایج آن همانطور که بالاتر توضیح دادم زمینه مساعدی برای رشد و گسترش اعتراضات توده ای فراهم خواهد آورد. با ختم "بحران هسته ای" به هر شکلی، توجیهات و بهانه ها کنار خواهد رفت و بحران واقعی جمهوری اسلامی، موقعیت ضعیف و متزلزلش در جامعه و در رابطه با توده مردم، حادث تر و عمیق تر خواهد شد. بازتاب این وضعیت در درون صفوف حکومت نیز تشدید اختلافات و کشمکشهای جناحی خواهد بود.

در رابطه با بخش آخر سئوالتان د رمورد به نتیجه رسیدن مبارزات مردم باید بر نقش و جایگاه تعیین کننده نیروی سازماندهنده و رهبری کننده این مبارزات تاکید کنم. پیروزی مبارزات مردم قبل از هر چیز در گرو نمایندگی شدن این اعتراضات در عرصه قدرت

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاتریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

یونان: تغییر ریل یا مانور ناگزیر؟

یک ماه قبل در یادداشت کوتاهی پس از انتخاب سیریزا نوشتیم که یونان بر سر دوراهی "سود سرمایه یا رفاه عمومی" قرار گرفته و جامعه به سرعت بر سر این مساله قطبی خواهد شد. امروز این قطببندی به نحو بارز و عریانی خود را در متن توافقنامه بین سیریزا و تروئیکا نشان میدهد.

الکسیس سیراس رهبر سیریزا و نخست وزیر جدید یونان بلافاصله پس از بقدرت رسیدن اعلام کرد اقدامات رفاهی ای نظیر افزایش حداقل دستمزدها، رایگان کردن برق برای اقشار کم درآمد و زیر خط فقر، و بازگرداندن کارمندان اخراجی دولت را فوراً در دستور خواهد گذاشت. او همچنین گفت که تقاضای وام تازه ای نخواهد کرد و بازپرداخت بدهی های یونان را نیز به رشد اقتصادی مشروط خواهد کرد. این سخنرانی با این نصیحت رئیس پارلمان اروپا پاسخ گرفت که "سیریزا باید بفهمد که اکنون او دولت یونان است، و نه یک حزبی که یک کمپین انتخاباتی براه می اندازد". توصیه کرد که سیریزا شعارهای کمپین انتخاباتی اش را با "راه حل های پراگماتیکی که میتواند برای هر دو طرف به کار آید" جایگزین نماید.

آیا توافقنامه اخیر و تن دادن به شرایط اتحادیه اروپا بخاطر دریافت وام تازه ای که قرار بود اصولاً تقاضا نشود، نشانه شروع این جایگزینی وعده های انتخاباتی با راه حل های مورد پسند اتحادیه اروپا است؟ پاسخ بخشی از اعضای خود سیریزا به این سؤال مثبت است و به همین خاطر خواستار برقراری کنگره فوق العاده و تعویض رهبری شده اند. یک مخالف سرشناس این توافقنامه یک عضو پارلمان اروپا و قهرمان مبارزات ضد فاشیستی در دوران اشغال یونان توسط نازیها است. او بابت این توافقنامه از مردم معذرت خواسته است.

به نظر من در چنین شرایطی مساله اساسی نفس سازش و کوتاه آمدن و به عقب انداختن سیاستهای رفاهی و یا حتی تن دادن به بعضی از شرایط وام دهندگان نیست. دولت سیریزا با اعتصاب سرمایه داران و بیرون کشیدن پولهایشان از بانکها مواجه شده و خود را ناگزیر دیده است که علیرغم سیاست اعلام شده اش دریافت وام تازه ای را تقاضا کند و به شرایط اتحادیه اروپا برای تقاضای وام تن در بدهد. ممکن است راه بهتری برای رفع تنگنای اقتصادی که دولت سیریزا در آن قرار گرفته وجود داشته باشد اما

زنده باد همبستگی تشکلهای مستقل کارگری!

زندگی سه و نیم میلیون تومان، حداقل مزد ۶۰۸ هزار تومان! در بیانیه پنج تشکل مستقل کارگری نیز اعلام شده است "چنانچه به فوریت فاصله سبب هزینه بالای سه میلیون تومانی با حداقل مزد خفت بار ۶۰۸ هزار تومانی پر نشود، روز بروز بر عمق و دامنه اعتراضات کارگران افزوده خواهد شد و ما با اتکا به قدرت اتحاد و همبستگی مان لحظه ای در دفاع از معیشت خود درنگ نخواهیم کرد."

بیانیه مشترک این تشکلهای خود نشانه و نماد امید بخشی از قدرت اتحاد و همبستگی جنبش کارگری است. مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد به سه میلیون تومان میتواند محور این اتحاد و همبستگی و حرکات اعتراضی متحد و مشترک نهادهای و تشکلهای مستقل کارگری نظیر تجمع اعتراضی اخیر در برابر مجلس باشد. مبارزه متحد و همبسته نهادهای مستقل کارگری در واقع اعلام میکند که کارگران ایران صرفاً قربانی "احضار قضائی و احتضار مالی" نیستند، بلکه یک نیروی اجتماعی فعال و موثر در مبارزه علیه فقر و سرکوب اند. باید با تمام توان برای حفظ و گسترش اتحاد و همبستگی فعالین و نهادهای مستقل کارگری تلاش کرد. این یک ضرورت مبرم رهایی نه تنها کارگران بلکه کل جامعه از شرایط فلاتکبار موجود است.*

سایت فارسی رادیو آلمان (دویچه وله) در گزارشی با عنوان "سقوط آزاد از خط فقر؛ نمودار معیشت کارگران" که بر مبنای مصاحبه با سه فعال جنبش کارگری در ایران تنظیم شده نوشته است "اعتصابات کارگری در سال ۱۳۹۳ در اعتراض به دستمزدهای نازل و معوقه، اخراج های گسترده و قراردادهای سفیدامضاء و شکننده، با تهدیدهای کارفرما یا محافل امنیتی همراه بود. این سال را می توان سال احضار قضائی و سال احتضار مالی کارگران نامید."

سال اعتراضات گسترده جنبش کارگری به "احضار قضائی و احتضار مالی" عنوان شایسته تری برای سال جاری است. مبارزات و اعتراضات کارگری علیه فقر و فلاکت و در دفاع از معیشت کارگران و توده مردمی که به زندگی زیر خط فقر رانده شده اند در سال جاری گسترش بی سابقه ای داشته است. آخرین برآمد این مبارزات بیانیه مشترک پنج تشکل مستقل کارگری پیرامون تعیین حداقل دستمزد و تجمع اعتراضی کارگران در برابر مجلس است که به ابتکار هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی چهل هزار نفری کارگران برگزار شد. به گزارش سایت اتحادیه آزاد بر بنر بزرگی در این تجمع اعتراضی اعلام شده بود "تحمل حداقل مزد خفت بار را تحمل نمیکنیم، حداقل هزینه

مساله اصلی اقتصاد و سیاستهای اقتصادی نیست. لغو سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی و در دستور قرار دادن اقدامات رفاهی - یعنی همان تقابل عملی بین کمپ کار و سرمایه - برای دولت سیریزا قبل از هر چیز یک مساله سیاسی و مربوط و به حفظ و تثبیت خط و دولتی است که با شعار و برنامه ای ضد ریاضتی - یعنی ضد سیاست اتحادیه اروپا و تروئیکا و تقریباً تمام دولتهای سرمایه داری در دنیا - روی کار آمده است. سیریزا در هر قدم برای اجرای عملی این سیاست با موانع متعددی روبرو خواهد شد و میتواند برای رفع این موانع به هر نوع مانور و عقب نشینی و یا سازشی تن بدهد اما مشروط بر آنکه اولاً از برنامه و سیاست و هدف استراتژیک لغو کامل سیاست ریاضت کشی منحرف نشود و ثانیاً در هر قدم به مردم توضیح بدهد که چرا چنین عقب نشینی و سازشی لازم است و چگونه این امر در خدمت هدف استراتژیک تامین رفاه عمومی قرار دارد. تامین این هدف با نفس حاکمیت سرمایه و نه صرفاً سیاست ریاضت کشی متناقض است و از همین رو ناگزیر قطب بندی هر چه بیشتر جامعه بین دو اردوی کار و سرمایه را بدنبال خواهد داشت. این نبرد هنوز نبردی سیاسی و معطوف به حفظ و یا از دست دادن قدرت بین این دو کمپ است. نقطه ضعف بورژوازی نه سیاست ریاضت کشی - که تنها راه حل عملی حل بحران اقتصادی در چارچوب نظام سرمایه داری است - بلکه مخالفت فعال و گسترده مردم یونان با این سیاست است. این بحران حکومتی بورژوازی و درماندگی احزاب سنتی یونان در حل این بحران بود که به انتخاب سیریزا منجر شد. نقطه قوت دولت سیریزا نیز اینست که در دل این بحران سیاسی - حکومتی، به قدرت رسیده و یک نوع دولت "وحدت ملی" علیه راه حل بحران اقتصادی بورژوازی جهانی تشکیل داده است. آخرین نظر سنجی ها نشان میدهد که ۸۳ درصد مردم یونان طرفدار دولت سیریزا هستند. اتکا به این نیرو و سازمان دادن و فعال نگاهداشتن آن در تلاطمات و مانورها و افت و خیزهایی که در پیش است کلید پیروزی نه تنها در برابر ریاضت کشی بلکه سلطه نظام اقتصادی ای است که چنین سیاستی را ایجاب میکند.*



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wcpiiran.org

سیروان نژاوی و ابراهیم شاپوری به زندان تبریز منتقل شده اند و یونس آقایان در زندان زنجان است. خبرهای تایید نشده اعلام میکنند که سامان نسیم هم در زندان زنجان است. خانواده سامان به زندان زنجان مراجعه کرده و در آنجا نیز خبرهای ضد و نقیض دریافت کرده اند.

کمیته بین المللی علیه اعدام این رفتار زشت حکومت اسلامی با مادران و پدران نگران و خانواده های هراسان زندانیان سیاسی را بشدت محکوم میکند و از همگان میخواهد که به این تشبیهات مذبوحانه حکومت اسلامی اعتراض کنند.

برای همه ما روشن است که علیه اعدامها در ایران يك جنبش گسترده در جریان است و بویژه اعدام فعالین سیاسی با اعتراض همگانی و متحدانه مردم روبرو میشود. حکومت اسلامی ایران میدانند و دید که حکم اعدام علیه فعالین سیاسی و در مورد سامان نسیم حکم اعدام علیه نوجوان ۱۷ ساله، با اعتراض عمومی مردم جهان روبرو میشود، پس با دامن زدن به يك جنگ روانی و جاخالی دادن میکوشد به مقابله با این موج اعتراضی برخیزد.

به اعدامها در ایران اعتراض کنید. این يك جنبه مهم مبارزه برای سرنگون کردن این دستگاه جنایت است. *



جنگ روانی کثیف حکومت اسلامی علیه خانواده های نگران!

مینا احدی

که اجازه ندارند مراسم بگیرند و هر نوع عزاداری و یا تجمع مردم برای ابراز همدردی با این خانواده ممنوع اعلام شده است. هم اکنون برخی شایعات از زندان به بیرون درز کرده که حتی ممکنست پخش این شایعه از طرف حکومت اسلامی جزیی از این جنگ روانی باشد.

خانواده حبیب و علی افشاری تقریباً مطمئن هستند که فرزندان آنها اعدام شده اند.

يك هفته است که خانواده چهار زندانی دیگر با کابوس اعدام فرزندان خود بسر میبرند و هیچ مقام جنایتکار حکومت اسلامی خود را موظف نمی بیند تکلیف این خانواده ها را روشن کند. این بازی کثیف حکومت اسلامی که صد در صد از موضع ضعف این حکومت است با خانواده های محکومین به اعدام است. روز چهارشنبه ۲۵ فوریه خبر رسید که دو زندانی سیاسی

خارج سوئد، تظاهرات در تورنتو و همچنین تظاهرات صدها نفر در شهرهای مختلف کردستان ترکیه و عراق و اعتراض دولتهای نروژ و آمریکا و اتحادیه اروپا و اعتراض چند هزار نفر از مردمی که طومار اعتراض به این حکم وحشیانه را امضا کردند، همه نشان داد که اعتراضات به احکام اعدام فعالین سیاسی بسیار گسترده است و بویژه در این مورد در رابطه با جوانی حرف زده میشود که هنگام دستگیر شدن ۱۶ سال و سه ماه داشت و طبق قوانین خود حکومت اسلامی، نمیتواند سامان نسیم را اعدام کند.

دو روز بعد، یعنی شنبه از طرف وزارت اطلاعات با خانواده دو برادر زندانی حبیب و علی افشاری تماس گرفته شده و ظاهراً به آنها اعلام کرده اند که هر دو برادر را اعدام کرده اند و در ضمن به آنها گوشزد شده است

احتمال اجرای حکم اعدام سامان نسیم وسیعاً پخش شد و مورد اعتراض گسترده جهانی قرار گرفت.

يك روز قبل از اجرای حکم اعدام خبر رسید که ۶ زندانی سیاسی حبیب الله افشاری، علی افشاری، یونس آقایان، سیروان نژاوی و ابراهیم شاپوری و سامان نسیم از زندان ارومیه به جایی دیگر و احیاناً به سلول انفرادی منتقل شده اند. و از آن لحظه تا امروز خانواده های این زندانیان و مردمی که نگران سرنوشت این فعالین سیاسی هستند، نمیدانند آنها کجا هستند، آیا همگی اعدام شده اند یا زنده هستند و چرا امکان تماس با خانواده های خود را ندارند.

حکومت اسلامی ایران در روز چهارشنبه که ظاهراً آخرین فرصت برای اعتراض به اجرای حکم بود توفان درو کرد. تظاهرات در مقابل وزارت امور

سرنوشت سامان نسیم و پنج زندانی سیاسی منتقل شده از زندان ارومیه هنوز نامعلوم است!

سامان نسیم یکی از این شش نفر است. در نوجوانی دستگیر شده و به اعدام محکومش کردند. او جزو دهها زندانی سیاسی بود که در زندان ارومیه اعتصاب غذا کرد و این حرکت زندانیان بر رژیم اسلامی سخت آمد و تهدید کرد که زودتر از موعد اینها را اعدام میکند. سامان اکنون ۲۱ سال دارد و اسیر جلادان اسلامی است. يك هفته قبل به خانواده اش خبر دادند که در روز پنج شنبه ۱۹ فوریه او را اعدام خواهند کرد.

سازمان عفو بین الملل و نهادهای متعدد بین المللی و از جمله کمیته بین المللی علیه اعدام در يك کمپین اعتراضی گسترده به این امر اعتراض کردند. در سراسر جهان خبر

پرستاران همدان مراسم دولتی را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند

ایمنی و بهداشت محیط کار هستند و از هر فرصتی برای بیان خواست هایشان استفاده میکنند.

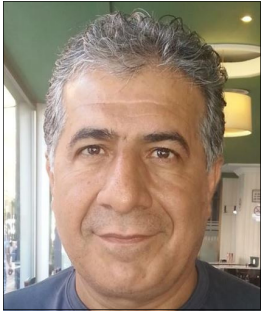
بدنبال تجمع ۳ اسفند پرستاران در تهران در مقابل مجلس، وعده داده شده است که تا ده روز دیگر یعنی سیزده اسفند به آنان جواب داده شود. پرستاران اعلام کرده اند که اگر جواب نگیرند، بار دیگر دست به تجمعات اعتراضی خواهند زد. پرستاران بر روی خواستههایشان مصرند.

پرستار نمونه و مورد پسند مقامات کیست و معیارهای مقامات برای انتخاب آنها چیست و چه اهداف ارتجاعی و تفرقه افکنانه ای را دنبال میکنند، اما این ترفندی برای پاسخ ندادن به خواست های ۱۴۰ هزار پرستار است. پرستاران به حقوق های ناچیز و تبعیضات مختلف اعتراض دارند و خواهان استخدام تعداد بیشتری پرستار به منظور کاهش فشار روی پرستاران و مراقبت بهتر از بیماران، و همچنین خواهان

ظهر امروز ۷ اسفند مراسمی دولتی به مناسبت "تجلیل از پرستاران نمونه" در شهر همدان برگزار شد. اما پرستاران همدان از فرصت استفاده کرده و با برداشتن پلاکاردهایی که روی آن خواستههایشان را نوشته بودند، این مراسم را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند.

در این مراسم که در مرکز همایش های دانشگاه علوم پزشکی همدان برگزار شده بود، ۱۵۰ پرستار مورد "تجلیل" قرار گرفتند. صرفنظر از اینکه





کوتاه آمدن سیریزا یا اتحادیه اروپا؟

شکست سیریزا هموار کردن راه جهنم است!

محمد آسنگران

قسطهای خود به حساب می آورند. اینرا هنگامی مطرح کردند که مرکل و شویبله از حزب سوسیال مسیحی قصد کوتاه آمدن نداشتند. این خواست بر حق همچنان لاینحل مانده است و مقامات آلمانی را عصبانی کرده است.

یونان در مواردی خواسته های دیگر خود را فعلا مسکوت گذاشته است. برای نمونه خواست دیگری که ابتدا مطرح کردند این بود بخشی از قسط بانکها را نپردازند و همانند آلمان دوران بعد از جنگ جهانی دوم از پرداخت آن معاف بشوند. این موضوع برای یونان هنوز باز است و در مورد آن تصمیمی گرفته نشده است اما مقامات آلمانی را به شدت منقلب کرده است.

نکته مهم دیگر این است که در صورت شکست سیریزا در یونان سیاست فعلی اروپا پیروز نمیشود بلکه زمینه رشد و عروج راست افراطی مانند پگییدا و جبهه ملی فرانسه به رهبری ژان ماری لوپن و... هموار میگردد. واقعیت این است که شرایط امروز کشورهای اروپایی نه تماما اما تا حدودی شبیه دوران قبل از جنگ دوم جهانی است. چپ و راست در مقابل هم قرار گرفته است. اگر چپ بازنده بشود راست افراطی و احزاب دست راستی به میدان می آیند. اگر این اتفاق بیفتد راه به سوی جهنم هموار میشود.

اما با خوشحالی باید اعلام کرد که گرایش مردم به چپ و حتی به انقلاب نه تنها در یونان و اسپانیا و ایتالیا بلکه در کشوری مانند آلمان که به ثبات اقتصادی خود میبالد در حال رشد است.

رسانه های آلمان اعلام کردند اگر اکنون بعد از دو هفته که از انتخابات گذشته است انتخابات تکرار بشود، سیریزا بیش از پنجاه درصد آرا را تصاحب خواهد کرد. طبق آخرین نظر سنجی در یونان بسیاری از افرادی که به احزاب دیگر رای داده بودند اکنون اعتمادشان به سیریزا جلب شده است. گفته میشود ۷۹ درصد مردم یونان نظر مثبتی نسبت به دولت سیریزا دارند. "زنی میانسالی از یونان به رسانه گفت من تا کنون هیچ وقت به چپها رای نداده ام اما امروز احساس میکنم سیریزا به ما دروغ نمیگوید. برای اولین بار به سیریزا اعتماد دارم چون واقعیات را از ما شهروندان پنهان نمیکنند". با توجه به این واقعیات اروپا ناچارا يك قدم دیگر عقب نشست.

اگر اروپا راه سازشی پیدا نمیکرد یونان ناچار بود از روسیه و چین و کشورهای دیگر وام بگیرد. این به معنی دور شدن یونان از اروپا بود و تیر خلاصی به کل پروژه اروپای واحد محسوب میشد. زیرا ناچار به رفتن به راهی میشد که میتوانست راه کشورهای دیگر مشابه یونان در اروپا را به آن سمت متمایل کند. تمام این پروسه طی شد تا کشورهای اروپای واحد طرح سیریزا را پذیرفتند. هر چند با تحت فشار قرار دادن دولت یونان تلاش کردند تدوین این طرح را به سیاستهای خود نزدیک کنند. این جدال تا جایی کش داده شد که نمایندگان سیریزا گفتند خسارت دوران اشغال یونان بوسیله آلمان که هنوز پرداخت نشده است حدود ۷ تا ۱۱ میلیارد یورو میباشد و آنرا در پرداخت

نظر تروئیکا را نپذیرد و هم در شرایط ناچاری کاری بکند که فرصت نفس کشیدن پیدا کند. سیریزا هیچ وقت نگفته است که برنامه اقتصادی سوسیالیستی دارد. آنها اعلام کرده اند مخالف ریاضت کشی اقتصادی هستند. همین حد از تغییر که مورد نظر سیریزا است اگر موفق شود به معنی شکست راه حل ریاضت کشی اقتصادی مورد نظر کشورهای اروپایی است. فراتر از این تحولات یونان بی اعتباری بازار آزاد و دمکراسی را عیان کرد و وقتی آنها بی اعتبار شدند چپ اعتبار پیدا کرد. علاوه بر این امید چپ به قدرت گیری و بهبود اوضاع اقتصادی را بوسیله چپها در کشورهای دیگر اروپا و تا حدودی در جهان بالا برد.

نکته بعدی این است کشورهای قدرتمند و موثر اروپای واحد مانند آلمان و فرانسه و انگلیس و متحدانشان ابتدا از ترس قدرتگیری چپ در کشورهای دیگر و شکست سیاستهایشان در ابعاد ماکرو، خواستند سیریزا به قدرت نرسد. بعد از به قدرت رسیدن سیریزا اینها در مقابل يك واقعت "تلخ" و ناخواسته قرار گرفتند. ناچار شدند تاکتیکشان را تغییر بدهند، اما استراتژی سیاستیشان همانا شکست سیریزا و دولت چپ یونان است. مدت کوتاهی تلاش کردند آنها را ایزوله و ناچار به قبول شکست کنند. هنگامیکه سرسختی سیریزا را دیدند و حمایت مردم یونان از آنها را متوجه شدند که به نسبت دوران انتخابات محبوبیتشان بیشتر هم شده است، يك قدم دیگر عقب نشستند و اعلام کردند با این واقعت "تلخ" باید کنار بیایند.

بعد از تایید این مصوبه از جانب پارلمان کشورهای اتحادیه اروپا آنرا مدت چهار ماه اجرایی میکنند. آلمان کشوری بود که با تمام سرسختی در مقابل سیریزا ایستاد و قدم به قدم ناچار به عقب نشینی شد. امروز هم حزب مرکل یعنی سوسیال مسیحی و هم سوسیال دمکراتها و حزب سبز و حزب چپ همگی اعلام کرده اند در پارلمان به این طرح رای میدهند. عقب نشینی آلمان و بقیه کشورهای اروپا از آنجا شروع شد که طرح جمعیشان برای شکست سیریزا در انتخابات یونان به نتیجه نرسید و احزاب مورد حمایت اتحادیه اروپا در یونان شکست خوردند.

بعد از اعلام نتایج انتخابات در یونان کامرون نخست وزیر انگلیس، مرکل صدراعظم آلمان و رئیس پارلمان اروپا مارتین شولتز که از اعضا رهبری سوسیال دمکراتهای آلمان است اعلام کردند که با حزب سیریزا سر سازش ندارند و مذاکره با آنها بی فایده است. شولتز گفت "من حرفی با اینها ندارم که سیاستشان فقط ایدئولوژیک است". وزیر دارایی آلمان شویبله اعلام کرد که سیاست چپ رادیکال سیریزا غیر قابل مذاکره است و...

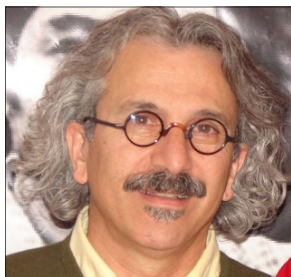
اما همه اینها بعلاوه بقیه مقامات اروپایی که احزاب همپیمانان در یونان شکست خورده بود و عصبانی بودند، نه تنها ناچار شدند مذاکره کنند بلکه طرح اصلاحات سیریزا را قبول نمایند. معلوم است که سیریزا هم راه سازش را نبست و ایدئولوژیک به مسائل نگاه نکرد. بلکه تلاشش این بوده و هست که راه میانی را انتخاب کند تا هم ریاضت کشی اقتصادی مورد

از روز سه شنبه ۲۴ فوریه که وزی-ران اقتصاد و دارایی کشورهای عضو اتحادیه اروپا طرح اصلاحات سیریزا را تصویب کردند بحث اینکه کدام يك کوتاه آمده اند، اتحادیه اروپا یا دولت سیریزا، يك بحث داغ رسانه های رسمی و مدیای اجتماعی است. در این مورد دو جناح راست و چپ یونان سیاست خود را این چنین بیان کرده اند.

"یانی وروفاکیس وزیر اقتصاد و دارایی یونان پس از تصویب طرح پیشنهادی دولت چپ گرای ائتلافی (سیریزا) گفت: این برنامه طوری تنظیم شده که دولت بتواند به طور کامل به وعده های پیش از انتخاباتی خود عمل کند. وی افزود: از این پس کارمندان دولت اخراج نمی شوند؛ با دادن کمک های انسان دوستانه به نیازمندان به رفع بحران اجتماعی و انسانی پایان داده می شود؛ مالیات مستقیم برای کالاها و خدمات افزایش نخواهد یافت و خانه های کسانی که به بانکها بدهکارند نیز مصادره نخواهد شد."

"اندونیس ساماراس نخست وزیر سابق و اونگولوس ونیزلوس معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه دولت پیشین یونان با انتقاد از برنامه ارائه شده دولت جدید آن کشور به بروکسل اعلام کردند، این برنامه از توافقنامه مالی قبلی با اتحادیه اروپا، بانک جهانی و صندوق بین المللی بدتر است زیرا کشور در آستانه خروج از بحران قرار گرفته بود اما با این طرح جدید، وضع اقتصادی کشور وخیم تر می شود."

اتحادیه اروپا با تصویب این طرح جدید اعلام کرده است که



نه" به سیاست ریاضت کشی اقتصادی در یونان و ایران!

علی جوادی

بجز از طریق ریاضت؟ بجز از طریق اینکه از مردم خواسته شود، بیشتر تولید کنید و کمتر مصرف کنید؟ ... جامعه‌ای که مردم آن بیشتر مصرف میکنند و کمتر تولید میکنند هرگز قادر به توسعه نخواهند بود ... ما نمیتوانیم نفتمان را که سرمایه ملی است بفروشیم و پنیر و تخم مرغ و کره و گوشت بخریم و بدهیم شماها بخورید! مصرف را باید کرد، باید قناعت کرد و تولید را بالا برد.

براستی که باید از ابراهیم یزدی برای بیان روشن و البته قبیح سیاست ریاضت کشی اقتصادی بورژوازی در ایران متشکر بود. "ریاضت"، "مصرف کمتر"، "تولید بیشتر". این مختصات اقتصادی را به فقر و فلاکت موجود اضافه کنید، معنای این آلترناتیو اقتصادی چیزی جز شکاف عظیم طبقاتی، محرومیت، و کار کسل کننده و طاقت فرسا نخواهد بود.

در یک کلام پول و موقعیت طبقاتی سرنوشت زندگی انسانها را رقم خواهد زد. اگر پولی نداری، اگر سطح دستمزد نازل است، یعنی از قرار نیازی هم نداری. این سهم کارگر و توده مردم زحمتکش در آلترناتیو بورژوایی پرو غربی از نیازمندیهای زندگی است. این آلترناتیوی است که بورژوازی پرو غرب برای مردم تدارک دیده است. "نه" قاطع به این سیاست یک مساله محوری در خلاصی از فقر و فلاکت اقتصادی است. این "نه" تنها میتواند بر متن خلع ید از سرمایه و استقرار نظام اقتصادی ای باشد که هدفش نه تولید سود برای سرمایه بلکه رفع نیازمندیهای متنوع و گسترده آحاد جامعه باشد. یک اقتصاد سوسیالیستی!*

داری، کم و بیش یکسان است، نتیجتاً دستمزد نازل کارگر به معنای محرومیت کارگر و زحمتکش از وسایل و مایحتاج و نیازمندیهای عمومی زندگی است.

از این رو در این آلترناتیو اقتصادی خبری از دو روز تعطیل در هفته نیست. ۳۰ روز مرخصی سالانه چوب لای چرخ "توسعه اقتصادی" قرار دادن است. حداکثر ۳۰ ساعت کار در هفته غیر ممکن و ندیدن واقعیات و ملزومات اقتصادی جامعه و "تن پروری" کارگر به حساب می آید. اضافه کاری و یا دو شغله بودن امری عادی و طبیعی است. مطالبه بیمه بیکاری مکفی برای افراد آماده به کار امری لوکس و توطئه بر علیه ملزومات "شکوفایی اقتصادی" است. حقوق و مزایای بازنشستگی در حداقل ممکن و عموماً پایین تر از خط فقر خواهد بود. ایمنی و بهداشت محیط کار با راندمان کاری و تضمین برنامه ریزی تولیدی و سرعت خط تولید خوانایی ندارد. اخراج بخشی از سیاست تامین انضباط سرمایه در محیط کار است. سرمایه مجاز خواهد بود بخاطر سود هر بلایی سرکارگر بیاورد. اخراجش کند، بیکارش کند. تنبیه اش کند. در این آلترناتیو بورژوایی حرف اول و آخر اقتصاد را سود سرمایه و مکانیسم تامین سود خواهد زد.

ابراهیم یزدی، رهبر نهضت آزادی، جوهر اقتصادی و نتایج عملی این آلترناتیو را چند سال پیش صریح و بی پرده چنین بیان کرد:

"ایران نمیتواند وارد عصر توسعه اقتصادی شود بجز از طریق انباشت سرمایه ... اما در یک کشور توسعه نیافته مانند ایران چگونه میتوانیم انباشت کنیم؟

اردن و در بهترین حالت در ترکیه نخواهد داشت. و سؤال این است که چرا؟

پلاتفرم اقتصادی این جریانان سازماندهی "اقتصاد کار ارزان"، اقتصادی مبتنی بر نیروی کار ارزان است. کارگر ارزان شاخص اصلی و مولفه تعیین کننده این آلترناتیو اقتصادی است. و با توجه به سطح نازل تکنولوژیک و کارایی سرمایه و دانش فنی جامعه، این الگویی است که سرمایه داری در ایران پیشروی خود دارد. عواقب و پی آمدهای سیاسی این پلاتفرم اقتصادی روشن اند. نیروی کار، هزینه تولید و باز تولید کار کارگر، باید همواره ارزان باشد. و مهمتر باید ارزان نگاه داشته شود. سطح دستمزد باید پایین و قابل رقابت با سایر جوامعی باشد که بر مبنای این الگوی اقتصادی کاپیتالیستی در سطح جهان سازمان یافته اند. در این الگوی اقتصادی ما به ازاء سطح پائین تکنولوژی و دانش فنی در این اقتصاد را کارگر باید با کار بیشتر و دستمزد کمتر جبران کند. از طرف دیگر افزایش توان و قدرت اقتصادی کارگر قدرت کارایی این الگوی اقتصادی را به سرعت به رکود میکشاند. به همین اعتبار در این چهارچوب دستمزد کارگر مشابه دستمزد کارگر در فرانسه و دانمارک و هلند نخواهد بود. دستمزد بالا و سود سرمایه در این اقتصاد غیر قابل جمع اند. اقتصاد سرمایه داری در ایران را نمیتوان با دستمزدی معادل دستمزد کارگر در سوئد و دانمارک و آلمان و کانادا به گردش در آورد. اقتصاد سرمایه داری در ایران را فقط میتوان با دستمزد کارگر در مکزیک و فیلیپین و پاکستان و امثالهم به گردش در آورد. و در شرایطی که قیمت کالاهای مصرفی مورد نیاز جامعه با توجه به جهانی بودن تولید سرمایه

عیار است. رژیم اسلامی را حکومتی ناتوان در چهارچوب اقتصاد کاپیتالیستی قلمداد میکند. خواهان ادغام همه جانبه سرمایه داری ایران در اقتصادی جهانی است. مدافع بازار آزاد و رقابت عنان گسیخته سرمایه است. خواهان حاکم کردن بی قید و شرط قوانین بازار بر زندگی مردم است. خواهان رفع موانع حقوقی و سیاسی گردش و انباشت سرمایه است. "شکوفایی اقتصادی"، "اقتصاد پویا"، "توسعه اقتصاد ملی"، "بارآوری اقتصادی"، و نه هیچ درجه ای از رفاه و تامین اجتماعی کلمات کلیدی و شاخصهای کارایی این آلترناتیو اقتصادی است. این نیرو مدافع بی چون و چرای سیاستهای اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است. کوچکترین توهمی در پیشبرد سیاستهای راست اقتصادی ندارند. کوچکترین توهمی به سیاست تعدیل اقتصادی، تعدیل ثروت و یا حتی ذره ای اعمال محدودیت بر کارکرد سرمایه ندارد. برعکس "ریاضت کشی اقتصادی"، ریاضت کشی مردم یکی از بارزترین سیاستهای اقتصادی این آلترناتیو در شرایطی بحرانی است. پلاتفرم اقتصادی این جریان عمیقاً محافظه کارانه و راست است. به لحاظ سیاست اقتصادی، آلترناتیویشان ما به ازاء و هم سنخ آلترناتیو ریگان و تاچر و مرکل و بوش و بلر است. اصولاً رفاه و تامین اجتماعی و اقتصادی مردم شاخصهای درونی در ارزیابی از عملکرد اقتصادی این آلترناتیو نیستند. در نظام مورد نظر این جریان "دست نامرئی بازار" سرنوشت اقتصادی مردم را رقم خواهد زد. در مقام مقایسه پلاتفرم اقتصادی این جریان کارکرد و نتایج متفاوتی از عملکرد کاپیتالیسم در مصر و

تحولات چشمگیر اخیر در یونان، بپاخواستن توده های مردم علیه سیاست ریاضت کشی اقتصادی بورژوایی بار دیگر مساله آلترناتیو اقتصادی نیروهای حاکم و همچنین اپوزیسیون در بسیاری از جوامع را بطور ویژه ای در مرکز توجه قرار داده است. مردم در یونان با پرچم "نه" به سیاست ریاضت کشی اقتصادی به میدان آمدند. فریاد زدند که دیگر قربانیان خاموش این سیاست ضدانسانی سرمایه نخواهند بود. حزی به جلوی صحنه سیاست رانده شد که این "نه" را نمایندگی میکرد. این تحولات مستقل از سرنوشت و آینده آن نقطه عطفی در تاریخ تحولات سیاسی در دوران حاضر است.

اما آنچه در یونان در جریان است مختص یونان نیست. یونان "مرز پر گهر" نیست. هیچ جامعه ای نیست. کشمکش و تقابل طبقاتی یک مشخصه اصلی تمام جوامع طبقاتی کنونی است. این تحولات بررسی سیاست اقتصادی نیروهای بورژوایی در ایران را ضروری میکند. در این یادداشت به سیاست اقتصادی اپوزیسیون راست پرو غربی میپردازیم.

کل کارنامه اقتصادی جمهوری اسلامی برای مردم چیزی جز فقر و فلاکت همه جانبه نبوده است. رژیم اسلامی در کلیت خود یک پروژه اقتصادی شکست خورده است. از نظر اقتصادی در بن بست و بحران همه جانبه ای بسر میبرد. راه علاجی هم ندارد. اما آلترناتیو اقتصادی ناسیونالیسم راست طرفدار غرب برای مردم در زمینه اقتصادی چیست؟ سهم مردم از زندگی، درجه رفاه اجتماعی در آلترناتیو اقتصادی این نیرو چقدر است؟

ناسیونالیسم پرو غربی مبلغ و مدافع یک نظام سرمایه داری تمام

در حمایت از مردم یونان علیه سیاست های ریاضت اقتصادی



کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا خود را جزئی از مبارزه و جبهه ای میدانیم که کارگران و مردم یونان به آن تعلق دارند. ما خود را بخشی از جنبش جهانی علیه سیاستهای اقتصادی سرمایه داران و یک درصدی ها میدانیم. ما حمایت محکم خود را از کارگران و مردم یونان اعلام میکنیم.

شهلا دانشفر، هماهنگ کننده شبکه همبستگی کارگران در خاورمیانه و شمال آفریقا هدا کامل، عضو شبکه و عضو کمپین بسوی یک قانون عادلانه، مصر

حاتم لاوینی، عضو شبکه و عضو هیات اجرایی بخش جوانان اتحادیه جی یو تی تی، بزرگترین اتحادیه کارگری تونس

اکرم ندیر، نماینده بین المللی اتحادیه کارگری عراق، FWCUI

خلیل رازک از رهبران بزرگترین اتحادیه کارگری در مراکش ساواش یالماز فعال کارگری در ترکیه

شبکه همبستگی کارگران در خاورمیانه و شمال آفریقا ۲۲ فوریه ۲۰۱۵

مردم نباید بپردازند. مردم یونان فی الحال با از دست دادن شغل و حق بازنشستگی و بیخانمانی و مشقات و ریاضتهای بسیاری بیش از حد بار این بحران را بردوش کشیده اند و بیش از این نمیخواهند سرنوشت خود را به تصمیم بانکداران بسپارند.

مردم یونان بپا خاسته اند و با دفاع قاطع از خواستها و حقوق انسانی و پایه ای شان به بانکداران بزرگ و دولتهای سرمایه داری دارند پاسخ میدهند. با پرچم چپ و سوسیالیسم. مردم یونان عملاً دارند به کارگران و مردم ایران، عراق، مصر، تونس و اروپا و تمام جهان راه نشان میدهند. سیریزای سوسیالیست و چپ جواب مردم یونان به سیاست بانکهای بزرگ و دولتهای سرمایه داری و یک درصدی های یونان و جهان است.

یونان میگوید ما ریاضت اقتصادی را قبول نمیکشیم. ما بیکار سازی های گسترده و گرسنگی و فقر مردم را قبول نمیکشیم. ما هر شرایطی را که بانک جهانی به ما تحمیل کند قبول نمیکشیم. ما بعنوان شبکه همبستگی

یونان به بانکها نیست. این بدهی سرمایه داران و یک درصدیهای یونان است. مردم مسئول بازپرداخت این بدهی ها و بحران اقتصادی نیستند. هزینه آنرا هم

یونان بیش از ۳۰۰ میلیارد یورو به بانک مرکزی اروپا، صندوق بین المللی پول و دیگر نهادهای ملی و بین المللی وام دهنده مقروض است. این بدهی مردم

هفت سال است که کارگران مردم یونان، با شروع بحران سرمایه داری به بیکاری و فقر و افت شدید سطح زندگی خویش روبرو شده اند. گفته میشود

از صفحه ۸

کوتاه آمدن سیریزا یا اتحادیه اروپا؟

شدنش بیش از هر زمانی مهیا شده است. کمونیستها باید این پرچم و سیاست را از آن خود کنند. و با اتکا به سیاست و استراتژی سیاسی ای که منصور حکمت تدوین کرده است ما میتوانیم یک بار دیگر کمونیسم را نه به عنوان منتقد و اپوزیسیون، بلکه به عنوان صاحب جامعه و الترناتیو اوضاع موجود به پرچم و سیاست امروز بخش پیشرو و مدرن جامعه تبدیل کنیم.*

امروز ما میگذارند و باید با دیدی باز این تحولات را بررسی کرد و برای قدمهای بعدی طرح و نقشه داشت. در ایران خوشبختانه کمونیسم از نظر سیاست و تئوری بسیار جلوتر و خود آگاهتر است. منصور حکمت امروز بیش از هر زمانی میتواند مورد مراجعه چپها و کمونیستها باشد. بحث حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه و دهها نوشته و سیاست و تئوری دیگر منصور حکمت امروز شانس پیاده شدن و اجرایی

چپ و کمونیسم یک بار دیگر با معتبر شدن مارکس و نقد اقتصاد سیاسی و پیروزیهای اولیه ای مانند یونان در حال کسب اعتماد از جامعه است. نیروهای چپ در حال پوست اندازی از چپ سنتی به چپ رادیکال و اجتماعی هستند. این آن تحولی است که هر کمونیستی باید به آن ببالد و خود را برای بازی در این میدان آماده کند. این تحولات تاثیر مستقیم و موثری بر فضای سیاسی ایران

علیه وضع موجود تمایل دارند. شانس عروج چپ در آلمان بیشتر از قبل شده است. باید اضافه کرد که همه این فاکتورها نشانه دوره ای تازه و فاز جدیدی است که دنیا دارد قدم به قدم به آن وارد میشود. این جدالی مهم است و

طبق آخرین نظرسنجی منتشر شده در روزنامه دی تسایت آلمان که یک روزنامه راست است و سیاستهای راست دولتهای حاکم را منعکس میکند بیست درصد مردم آلمان یا به قول این روزنامه از هر پنج نفر یک نفر به انقلاب



جنبش آزادی زن علیه توحش ضد زن

کیفرخواستی به مناسبت هشت مارس



۸ مارس روز جهانی زن است. روز اعتراض به تبعیض و نابرابری علیه زنان است. با فرارسیدن این روز ما زنانی از خاورمیانه و شمال آفریقا با این بیانیه کیفرخواست خود را علیه تبعیض و توحش علیه زنان اعلام میکنیم. در هشت مارس امسال بویژه ما باید عزم و اتحاد خود را علیه اسلام سیاسی یا توحش اسلامی در قدرت و در اپوزیسیون نشان دهیم. نیروهای جنایتکاری که در این منطقه مستقیماً علیه زنان شمشیر کشیده اند. کیفرخواست ما، یا در واقع بیانیه عملی و مانیفست ما، عزم ما را برای اینکه صدای جنبش نوین آزادی زن در کشورهای منطقه و همه جای جهان باشیم اعلام میکند.

روشن است که ریشه نابرابری و تبعیض علیه زنان در سرمایه داری مدرن و صنعتی امروز قرار دارد. در این سیستم با تقسیم جنسی انسانها در عرصه تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی برای تضمین سود سرمایه، زنان تحت ستم و تبعیض قرار میگیرند. اما در کشورهایی با قوانین اسلامی که صدمت با زن یک رکن اساسی مذهب و قوانین مذهبی است، تبعیض علیه زنان

بیشتر و بیشتر اشکال خشونت بار بخود گرفته است. در این کشورها زنان نه تنها از پایه ای ترین حقوق خود از جمله حق طلاق، حق انتخاب همسر، حق نگاهداری از کودک، حتی تحصیل، حق اشتغال، حق سفر و حتی حق بازی کردن و لذت بردن، و همه چیز محرومند، بلکه مورد خشونت و تعرض دائمی قرار دارند. از جمله در جایی چون ایران برای نمونه بر روی زنان بخاطر "بدحجابی" اسید می پاشند. در کشوری چون ترکیه رئیس جمهورش اردوغان که اسلام خود را "مدرن و میانه رو" میخواند با اعلام اینکه زنان با مردان مساوی و برابر نیستند، آشکارا بی حقوقی زن را رسمیت میدهد، در کشوری چون عربستان سعودی زن حتی برای حق رانندگی کردن نیز باید بجنگد، در کشورهایی چون پاکستان و افغانستان زنان را در برابر مهریه بفروش میرسانند و حق تحصیل برای دختران یک موضوع جنگ و جدال است. در نیجریه، سوریه و عراق نیروهای جنایتکار بوکوحرام و داعش و امثال اینها دختران را میدزدند، مورد تجاوز قرار میدهند و بعنوان برده و کنیز بفروش میرسانند. در مصر، هند و پاکستان بارها شاهد تجاوز

گروهی به زنان بوده ایم. بطور خلاصه سازمانهای آدمکش اسلامی نظیر داعش در عراق و سوریه و القاعده و طالبان در پاکستان و افغانستان، بوکوحرام در نیجریه و "اسیدپاشان" در ایران عملاً خشونت علیه زنان را به صورت جنایت سازمان یافته در آورده اند.

توحش علیه زنان به هر شیوه و شکل و شمایل باید فوراً متوقف شود!

در مقابل جنایاتی به این وسعت، جنبش آزادی زن و آزادیخواهی قرار دارد، که صدایش را در ایران با جنبش قدرتمند حجاب برگیران، در مصر و تونس با عقب زدن اسلام سیاسی از قدرت و نقش برجسته جنبش رهایی زن در انقلاب این کشور و علیه ارتجاع اسلامی، در ترکیه مبارزات جانانه زنان و مردم معترض این کشور علیه تلاشهای دولت موسوم به "اسلام میانه رو" برای اجرایی کردن قوانین ارتجاع اسلامی بوضوح بگوش میرسد. این جنبشی است که با اعتراض عریان در مصر و تونس و ایران، و با فریاد اینکه زن ناموس کسی نیست، زن برده جنسی نیست، در برابر تحجر جریانات اسلامی قد علم کرد و

ایستاد. ما امضا کنندگان این بیانیه خود را متعلق به این جنبش میدانیم که به وسعت خاورمیانه و شمال آفریقا در برابر تحرکات اسلامیست ها قد علم کرده است. این جنبشی است تماماً طبقاتی که در مقابل سرمایه داری پوسیده جهان امروز و تحجر و کشفاتش ایستاده است و با نوید آزادی و انسانیت رنگی زنانه به انقلابات در این کشورها زده است. یک جنبش سکولار آزادیخواه و برابری طلب در سطح جهانی که به صراحت و با قدرت در مقابل اسلام سیاسی و جنبش های مذهبی قد علم میکند، در مقابل سیاست های میلیتاریستی و تروریستی دولت های غربی به سرکردگی آمریکا نیز محکم می ایستد و از آزادی و برابری دفاع میکند، پاسخ همه این داعش ها و تروریسم ارتجاعی اسلامی است.

ما بخشی از این جنبشیم و ما بدین وسیله و به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن کیفرخواست خود را علیه اسلام سیاسی و جنایتش در این منطقه و کل جهان اعلام میداریم. ما خواستار جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش و از کل جامعه هستیم و آنرا یک گام مهم در رهایی زن و برابری زن و مرد در جامعه میدانیم. ما خواستار برابری کامل زن و مرد در تمام شئون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی هستیم. ما از همگان میخواهیم با گذاشتن امضای خود در زیر این بیانیه ما را در جلو بردن هر چه بیشتر این جنبش خصوصاً در سطح خاورمیانه و شمال آفریقا یاری دهند.

گرامی باد هشت مارس روز جهانی آزادیخواهی و برابری طلبی

۱۹ فوریه ۲۰۱۵
Shahla.daneshfar2@gmail.com

- شهلا دانشفر عضو نهاد زن آزاد، هماهنگ کننده شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا، ایران
- توکیا دبیرکل سازمان زنان روستایی و فعال نهاد دفاع از حقوق بشر در تونس

- هدا کامل عضو شبکه همبستگی کارگری خاورمیانه و شمال آفریقا و کمپین بسوی قانون عادلانه، مصر
- نشوا زین، جنبش تعاونی، مصر
- مونا ازادن، "عضو سازمان نوین زنان" در مصر
- مینا احدی، سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و علیه سنگسار و نهاد زن آزاد، ایران
- افسانه وحدت، سخنگوی نهاد کودکان مقدمند و عضو نهاد زن آزاد، ایران
- شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و عضو نهاد زن آزاد، ایران

- کاظم نیکخواه عضو کمیته بین المللی همبستگی کارگری، ایران
- مهین علیپور عضو نهاد دفاع از حقوق زنان (کی، اف، کی، آی)، ایران

- حاتم لایونی، عضو هیات اجرایی بخش جوانان اتحادیه سراسری کارگران تونس "جی سی تی تی" و فعال دفاع از حقوق زن
- فریده آرمان سخنگوی انجمن حقوق زنان، عضو نهاد زن آزاد، ایران

- سونیا چاربتی سازمان فری فورس در تونس

- ایمنی بیللیچ، فعال اتحادیه و سازمانهای مدنی در تونس

- زاندا فولاً، سازمان جوانان انقلابی دمکرات و میهنی، تونس

- مهران محبوبی عضو کمیته همبستگی بین المللی کارگری- ایران

- سیلی غفار سخن گوی حزب همبستگی افغانستان

- فوزیه کوفی عضو مجلس نمایندگان

- دکتر نیلوفر ابراهیمی عضو مجلس نمایندگان افغانستان

- زهرا موسوی فعال حقوق مدنی در افغانستان

- سرگل احمد از عراق، فعال دفاع از حقوق زن

هزاران معلم در سطح کشور دست به اعتصاب و تحصن زدند



امروز سوم اسفند هزاران معلم از صدها مدرسه در استان های مختلف کشور دست به اعتصاب زدند و خواهان رسیدگی فوری به مطالبات خود شدند. در برخی مدارس معلمان در مدرسه حضور داشتند اما از رفتن به کلاس درس خودداری کردند و در برخی شهرها در اداره آموزش و پرورش دست به تحصن زدند.

گزارشات حاکی از آن است که معلمان بسیاری از شهرها از جمله در برخی مناطق تهران و در شیراز، بوشهر، شاهرود، پاکدشت، قزوین، کرمانشاه، مشهد، رشت، کلاچای، بهارستان، اسلامشهر، زرین شهر، شهرضا، رباط کریم، کرج، شهر قدس، شهریار، ملارد، فولادشهر در دو منطقه تهران، در دیواندره و در برخی شهرهای خرم آباد و خراسان در اعتصاب شرکت داشتند. کانون صنفی معلمان میگوید که بیشترین اعتراضات مربوط به منطقه بهارستان در استان تهران بوده است. طبق این گزارش کلیه معلمان دبیرستان های پسرانه منطقه بهارستان در شیفیت یک و دو در اعتصاب و تحصن شرکت داشتند.

معلمان خواهان افزایش حقوق، استخدام رسمی معلمان پیمانی، پایان دادن به تبعیض و

بیعدالتی، پایان دادن به برخوردهای توهین آمیز و تهدید و دستگیری معلمان معترض و خواهان آزادی معلمان زندانی هستند. گفته میشود که بحث از افزایش فقط ۱۴ درصد به حقوق سال آینده معلمان است و معلمان به این افزایش ناچیز حقوق خود اعتراض دارند. معلمان همچنین به طرح مجدد مصوبه «افزایش فوق العاده شغلی کارکنان دولت» و اجرایی شدن این مصوبه بدون ملاحظه حقوق معلمان و همچنین در نظر گرفته نشدن بودجه مناسب برای

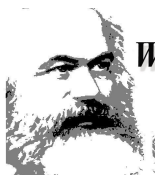
آموزش و پرورش در سال آینده معترضند. معلمان میگویند با این سطح بودجه امیدی به بهبود وضعیت معیشتی معلمان نخواهد بود. لازم به یادآوری است که در روزهای ۳۰ آذر و اول دیماه امسال نیز معلمان در استان های مختلف کشور دست به اعتصاب زدند. در اعتصاب ماه قبل و اعتصاب امروز، معلمان رادیکال و معترض و جمع ها و محافل آنها نقش اساسی داشتند و از طریق شبکه های اجتماعی خبررسانی وسیعی

بحق معلمان و همینطور مطالبات کارگران و پرستاران صمیمانه پشتیبانی میکند و کلیه معلمان و کارگران و پرستاران در سراسر کشور را به گسترش شبکه های اعتراضی خود برای شروع اعتصابات و تجمعات قدرتمند و سراسری فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ اسفند ۱۳۹۳، ۲۲ فوریه
۲۰۱۵

برای اعتصاب انجام دادند. معلمان یکشنبه ۱۰ اسفند نیز در تدارک اعتصاب و تجمعات اعتراضی هستند.

اعتصابات پی در پی معلمان و همزمان تجمعات اعتراضی پرستاران و اعتصابات گسترده در مراکز کارگری بویژه اعتراض هزاران کارگر ایران خودرو که با خواست مشترک افزایش دستمزد صورت میگیرد نشانه برآمد اعتراضات توده ای و پیش درآمد اعتصابات وسیع و سراسری در کشور است. حزب کمونیست کارگری از مطالبات



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



ژورنال روزانه را بخوانید!

ژورنال همه روزه بجز جمعه ها

منتشر می شود

سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com

ایمیل ژورنال: journal.ruzaneh@gmail.com